



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# عائشہ

ف. روحانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عایشه

نویسنده:

فاطمه روحانی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	عایشه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	پیشکش
۱۱	مقدمه
۱۳	پاسخ به چند سؤال
۲۰	خاندان عایشه
۲۰	قبیله
۲۰	رئیس قبیله تیم
۲۱	پدر بزرگ عایشه
۲۲	مادر بزرگ عایشه
۲۲	پدر عایشه
۲۴	مادر عایشه
۲۵	برادر عایشه
۲۶	خواهران عایشه
۲۶	حسادت عایشه
۲۹	عایشه یکی از سه دروغ گو
۲۹	خرافه ازدواج پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم) با دختر بچه ای خردسال
۳۴	فساد در دین توسط عایشه
۳۴	اشاره
۳۵	ادب کردن کودک یتیم توسط عایشه
۳۶	رابطه عایشه با حیوانات
۳۶	نسبت دادن رذائل اخلاقی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط عایشه

۳۷	طلاق عایشه
۳۷	اشاره
۳۸	این طلاق چه زمانی اتفاق افتاد؟
۴۲	بی حرمتی و بی ادبی عایشه و حفصه به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)
۴۴	عایشه بیوه ای که به عقد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درآمد
۴۶	قتل پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط عایشه
۴۶	اشاره
۴۶	اما چه کسی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را مسموم کرد؟
۴۹	شبهه ای در مورد مسموم شدن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)
۵۰	پس از شهادت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)
۵۴	ادعای عایشه درباره به ارث بردن ائمه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و یا داشتن اختیار آن
۵۸	فتنه جمل
۶۰	اولین زن تروریست در اسلام
۶۴	سرنوشت شتر عایشه
۶۶	پیش بینی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)
۶۷	سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) با عایشه، پس از شکستش
۶۹	سخن امام صادق (علیه السلام) راجع به وقایع پس از جمل
۷۰	فرموده امام باقر (علیه السلام) راجع به اهل جمل
۷۱	دشمنی عایشه با حضرت فاطمه و امام حسن (علیهما السلام)
۷۴	خبر شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عکس العمل عایشه
۷۴	القاب عایشه ملعونه در آیات و روایت
۷۷	لعن عایشه در آیات قرآن کریم
۸۱	عاقبت عایشه
۸۴	فهرست منابع
۸۸	«فهرست مطالب»
۹۱	درباره مرکز

عایشہ

مشخصات کتاب

عایشہ

ف.روحانی

ص: 1

اشارہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2



به سرورم، خدیجه کبری، بهترین همسر برای بهترین خلق.

این نوشته را تقدیم می کنم به أم المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام)؛

آن بانو که مظهر صبر، استقامت و بخشندگی بود.

آن بانویی که اولین زن ایمان آورنده به پیامبر بود و در خوشی ها و سختی ها او را یاری می کرد.

درود خداوند بر شما و خاندان نبوت.

ص: 3



(لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)؛ (1)

ایمان به خدا و روز قیامت ندارند کسانی که با مخالفان خدا و رسول خدا دوستی کنند. حتی اگر آنان از نزدیکان آنها باشند. (کسانی که نسبت به مخالفان خدا و رسول او ابراز برائت و بیزاری کنند) خداوند ایمان راستین را در قلوب آنها راسخ خواهد کرد و آنها را با روح ایمان تأیید و یاری خواهد کرد... آنان حزب الله اند که همانان رستگارانند.

در کتاب اصول کافی (2)، کتاب الحجة حدیث یازدهم در رابطه با دو فراز آیه فوق (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ)، چنین آمده است: مفضل از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که او

ص: 5

1- - سورة مجادله، آیه 22.

2- - اصول کافی، ج 1، ص 338.

فرمود: برای صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) غیبتی خواهد بود که گفته می شود او مرده است یا هلاک شده یا اگر زنده است پس کجا زندگی می کند؟!

شما در آن زمان مانند کشتی طوفان زده بین امواج خروشان دریا خواهید بود. به جز کسانی که: (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ)، کسی نجات نخواهد یافت.

در آن زمان دوازده پرچم برافراشته می شود که همه ادعای پیروی از اهل بیت می کنند و همگی ابراز حقانیت می نمایند.

حال سؤال این است که برای مصون ماندن و در امان بودن از چنین مهلکه ای باید چه کاری انجام داد؟

برگزاری مجالس برائت و اعلام دشمنی با دشمنان خدا و رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) الزامی است و از هر زمانی بیشتر احساس نیاز می شود و در این مجالس ما باید خباثت ها، پلیدی ها، بدعت ها و جنایات ابوبکر و عمر و دختران آنان را بیان کنیم.

لذا تصمیم گرفتیم کمی در مورد عایشه بنویسم تا چهره واقعی او برای عموم مسلمانان معلوم شود.

ف.روحانی - قم مقدس

حوزه علمیه حضرت زهرا (علیها السلام)

20 جمادی الثانی 1433هـ - ق

ص: 6

آیا بدگویی از عایشه توهین به ساحت مقدس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیست؟

ما دریافتیم که به مجرد همسر بودن خانمی با یکی از پیامبران خدا نباید قداست و پاکی بر آن پوشاند و نباید مردم را بر تعظیم و تکریم او مجبور کرده و با توجه به مثال های قرآنی مانند: همسر نوح، همسر لوط، همسر یوسف، پسر نوح، فرزندان یعقوب، برادران یوسف، قایل فرزند آدم، هرگونه نزدیکی و قرابت با یکی از انبیای الهی را نباید دلیل قداست اشخاص دانست.

از طرفی سرزنش قومی باعث سرزنش پیامبر آن قوم نخواهد بود چون انحراف قوم یا نزدیکان یک پیامبر به دلیل خواست اختیاری آنها برای انحراف بوده نه کم کاری و سستی پیامبران الهی، که وظیفه رسولان فقط ابلاغ رسالت الهی است و بس.

آیا فضیلت همسری پیامبر کافی نیست تا عایشه را تقدیس کنیم؟

در جایی که نسبت فرزندی پسر نوح (علیه السلام) به دلیل مخالفت او با

عقیده پدر ساقط می شود، عایشه به دلیل مشارکت در مسموم کردن نبی اکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)، آزار دختر گرامی آن حضرت، خروج و قیام علیه وصی آن حضرت، دستور به تیرباران جسد مطهر امام مجتبی (علیه السلام)، به خاک و خون کشیدن حدود شانزده هزار نفر از مسلمانان در جنگ جمل، تحریف احکام دین خدا و...، به طریق اولی باعث اسقاط نسبت سببی و همسری با پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) خواهد بود.

چه کنیم که مخالفین، ما را در مورد عایشه منافق نخوانند؟

مخالفین می دانند که شیعیان نسبت به زنی به نام عایشه بنت ابی بکر، به شدت کراهت دارند، او را لعنت کرده و از او بیزاری می جویند.

ولی آنچه نمی دانند این است که دلیل این موضع گیری شدید چیست؟

و اینکه نمی دانند شیعیان به چه چیزی استناد می کنند؟ و در مجموع، چه دلایل دینی و اعتقادی بر این موضع گیری دارند؟

کسی که به دلایل محافظه کارانه و به اصطلاح ایجاد وحدت و امثال آن تقاضای کتمان حقایق را دارد، تا جایی که برخی از خواص شیعه او را چنین ذکر کند «أم المؤمنین عایشه (رضی الله تعالی عنها)»، ولی در خلوت و غیر علنی او را لعن کنند، در حقیقت ناخواسته حقد و کینه نسبت به شیعه را زیاد می کند

ص: 8

وگرنه از مخالفین چه توقعی دارد؟ آیا می خواهد آنان خود را تکذیب کنند و عقیده داشته باشند که شیعه عایشه را دوست می دارد در حالی که نتیجه عکس دارد و آنان خواهند گفت: شیعه در این مورد آنان را فریب می دهد؟!

آیا حفظ وحدت مسلمین نباید باعث شود که از بدگویی عایشه دست برداریم؟

تمام انبیا وقتی دعوت خود را شروع می کردند، در واقع زلزله ای در قوم خویش ایجاد کرده که اولین اثرش از هم پاشیدگی وحدت آن اقوام بوده است، تا جایی که گاهی فرزند بر پدر خود و یا برادر بر برادر خود و یا نزدیکان خود شمشیر می کشید، و غالباً باعث ایجاد جنگ داخلی می گردید. برای نمونه، در چگونگی دعوت حضرت ابراهیم (علیه السلام) از قوم خود که با درهم شکستن مقدسات آنها (بت ها) صورت گردید تأمل کنید. آیا ابراهیم (علیه السلام) نسبت به راه های دیگر تبلیغ جاهل بود، یا اینکه شک دارید که این روش، بهترین راه تبلیغ بوده است.

در حالی که خداوند متعال در کلام خود او را تصدیق می کند و همگان را به پیروی از او فرا می خواند و او را الگوی همگان می داند.

(قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ

مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ؛ (1)

پس بنای وحدتی که مبنای باطل دارد نمی تواند سودی داشته باشد چرا که انبیای الهی خلاف آن عمل نمودند.

به دلیل تقدس عایشه نزد مخالفین، آیا بدگویی از او کاری بیهوده نیست؟

اگر گفته شود: عایشه، ابوبکر و عمر برای مخالفین، چنان تقدس دارند که به هیچ وجه حاضر نیستند از عقیده خود دست بردارند و با این کار فقط خودمان را خسته می کنیم، در پاسخ می گوئیم: این ادعا صحیح نبوده و واقع امر خلاف آن را ثابت می کند، زیرا در طول تاریخ هزاران نفر به مذهب حقه اهل بیت (علیهم السلام) گرویده اند و یکی از اسباب مهم آن، همین بدگویی است، چون آنها برای دفاع مجبور به تحقیق می شوند و در این هنگام حقیقت برای آنها واضح می گردد و ما نیز در آثار مستبصرین (شیعه شدگان) غالباً به فصولی بر می خوریم که در آن به وضعیت این چند نفر پرداخته و در مطاعن و بدی های آنها با کمال شجاعت و شهامت مفصلاً سخن به میان آورده اند.

به قول رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) اگر فقط یک نفر به دست انسان

ص: 10



هدایت گردد، بهتر است از آنچه خورشید عالم تاب بر آن می تابد. (1)

و از طرف دیگر، وظیفه شرعی ما این است که امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با چنین زنی ازدواج فرمود؟

صحابی جلیل القدر، عمار یاسر می گوید: «خداوند شما را به عایشه مبتلا فرمود تا ببیند او را اطاعت می کنید یا عایشه را؟». (2)

با توجه به روایتی که مخالفین آورده اند، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «اگر مردم با هم اختلاف پیدا کنند، پسر سمیه (عمار یاسر) در طرف حق می باشد». (3)

پس از جنگ جمل، عمار به نزد عایشه می رود و می پرسد:

«ای أم المؤمنین! این راهی که انتخاب کردی، با آن عهدی که از تو گرفته شده بود (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)، (4) چقدر فاصله دارد؟».

عایشه در پاسخ می گوید: «تو ابوقضان (عمار یاسر) هستی؟»

ص: 11

---

1- - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص 13.

2- - صحیح بخاری، ج 9، ص 70.

3- - تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج 43، ص 404.

4- - سوره احزاب، آیه 33.

می گوید: «آری»؛ عایشه می گوید: «به خدا قسم از تو راستگوتر نسبت به کلام حق نمی شناسم» و می گوید: «سپاس خداوندی را که این کلام را بر زبان تو جاری نمود». (1)

اگر عایشه همسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نبود، فعالیت های شیطانی او در برابر سیل خروشان مسلمین ارزشی نداشت. حتی اگر به جای شتر، سوار فیل می شد. لذا خداوند متعال او را به همسری پیامبر خویش در آورد تا زمانی که علیه وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) لشکرکشی می کند باعث آزمایش مسلمانان شود. همان گونه که طبق مصلحت خداوندی، (والغه) با حضرت نوح (علیه السلام) و (والهه) با حضرت لوط (علیه السلام) ازدواج کردند، در حالی که علم خداوند بر اینکه این دو زن این دو پیامبر عظیم الشأن را اذیت ها خواهند کرد و دست به منکرات عجیبی خواهند زد، احاطه داشت. همان طور که خداوند به ابلیس (علیه اللعنة) مهلت داد تا او وسیله آزمایش خلاق شود وگرنه ثواب و عقاب الهی مفهوم خود را از دست می داد.

عبداللّه عمر در جایی می گوید: روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از خانه عایشه بیرون آمد و فرمود: «رأس کفر از اینجاست! از جایی که شاخ شیطان خارج خواهد شد». (2)

ص: 12

---

1- تاریخ طبری، ج 3، ص 548؛ به سند صحیح.

2- صحیح مسلم، ج 8، ص 180.

این حدیث نبوی تأکیدی است بر کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عمار یاسر که عایشه وسیله امتحان، آزمایش، ابتلا و فتنه مسلمین است و به این دلیل بود که او همسر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شده است.

و این امتحان از سه جهت می باشد:

اول: وسیله امتحان حبیب خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است (همان گونه که خداوند دو پیامبر خود نوح و لوط (علیهما السلام) را چنین امتحانی فرموده) تا مشخص شود که پیامبرش زن خبیث و بد اخلاق و شیطانی چون عایشه را چگونه تحمل می کند.

دوم: عایشه وسیله امتحان امت اسلامی است، همان طور که صَفُوراً همسر حضرت موسی (علیه السلام) چنین بود تا مشخص شود امت اسلام او را تبعیت می کنند یا از خدا اطاعت خواهند کرد.

و در سومین مرحله: ازدواج عایشه با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وسیله امتحان خود عایشه است که هم نشینی او با بهترین خلق خدا و تماس با وحی الهی در بیت نبوت آیا می تواند او را از اعمال زشتش باز دارد یا نه؟

و می بینیم که نه تنها هشدارهای خداوند مبنی بر باقی ماندن در منزل و خروج نکردن و مثال زدن دوزن نوح و لوط (علیهما السلام) بر او تأثیر نمی گذارد بلکه پیش گویی های پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بر پارس کردن سگ های

حوأب نیز بر او کارساز نمی افتد و او خود را به هلاکت ابدی می اندازد.

## خاندان عایشه

### قبیله

در بین قبیله هایی که در مکه زندگی می کردند، قبیله تیم یکی از حقیرترین و ذلیل ترین آنها بود به حدی که ابوسفیان که از بنی امیه بود، نمی توانست خود را راضی کند تا با ابوبکر بیعت کند.

و حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) فرمودند: «إنه من اعجاز قریش و اذنبها»<sup>(1)</sup> یعنی ابوبکر منسوب به قبیله ای است که از پست ترین قبایل قریش و از نظر جایگاه، آخرین رتبه را دارد.

### رئیس قبیله تیم

اما رئیس قبیله تیم شخصی به نام عبدالله بن جذعان تیمی بود و شخص ثروتمندی بود که ثروت خود را از شغل کثیفی به دست آورده بود. او زنان هرزه را خریداری می کرد و در میهمان خانه ای از آنها برای روابط نامشروع استفاده می کرد و پس از اینکه پسری به دنیا می آوردند، یا این پسران را به قیمت گزافی به مردان قریش می فروخت و یا آنها را استخدام می کرد و گاهی نیز آنها را به قبیله

ص: 14

خود ملحق می کرد تا از نظر تعداد از قبایل دیگر کمتر نباشند.

ابن عساکر در تاریخ دمشق(1) آورده: در اثر این نوع فعالیت، صد غلام ولد الزنا در خدمت خود ابن جذعان بودند و برای او کار می کردند.

### پدر بزرگ عایشه

یکی از غلامانی که در میهمان خانه او کار می کردند، ابی قحافه پدر بزرگ عایشه می باشد که اسم او عثمان بن عامر بوده است. وظیفه او در این میهمان خانه این بوده که پشه هایی که مزاحم میهمانان بوده اند را از آنان دور کند و بعضی اوقات او وظیفه داشته فریاد بزند و مردم را به میهمان خانه دعوت کند. اما مزد او از این کار بسیار ناچیز بوده چون در مقابل این کار، پولی به او پرداخت نمی شده بلکه سهم او فقط پس مانده غذای میهمانان بوده است و کسی که چنین حرفه ای دارد را (عضروط) گویند.

در کتاب الإيضاح شیخ مفید(2) آمده: «اگر ابوبکر چنان اموالی داشت که با انفاق اموالش در جهت پیشرفت اسلام به پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) کمک می کرد، همان گونه که نادانان ادعا می کنند،

ص: 15

---

1- تاریخ دمشق، ج 10، ص 436.

2- الإيضاح، ص 213.

باید او در وهله اول پدر خود را از میهمان خانه عبدالله جدعان نجات می داد تا بتواند لااقل کمی از ضعف خود بکاهد و یا لباس و پوششی برای خود تهیه کند».

ابوقحافه کافری بود که در دشمنی با اسلام زبانزد بوده و مسلمانان را (صباة) می نامید یعنی کسانی که برای دین جاهلیت مشکل ایجاد کرده اند و مسلمانان را به فاسد کردن پسرش متهم می کرد.<sup>(1)</sup>

### مادر بزرگ عایشه

مادر ابوبکر سلمی بنت صخر ملقب به ام الخیر بوده که با عموی خود ابوقحافه ازدواج می کند و در میان عرب سابقه نداشته است که مردان با دختران برادر خود ازدواج کنند.<sup>(2)</sup>

### پدر عایشه

ابوقحافه، سه پسر داشته به نام های عَتِيق، مُعْتَق و عَتِيق.<sup>(3)</sup>

قیس بن عاصم منقری، ابوبکر را به خاطر حقارت قبیله اش حقیر و کوچک می شمرد.

زمانی که بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد شد و گفت: «من در زمان جاهلیت دوازده تن از دخترانم را زنده به گور کردم. حال که پشیمانم چه

ص: 16

---

1- - زندگی نامه ابوقحافه در کتاب الإصابه، شماره 5485.

2- - اسدالغابة في معرفة الصحابة، ابن اثیر، ج 3، ص 205.

3- - تاریخ طبری، ج 2، ص 616.

کنم؟» پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «به تعداد دخترانی که زنده به گور کردی، کنیزی را بخر و در راه خدا آزاد کن».

در اینجا ابوبکر برای خودشیرینی به او می گوید: «تو از بزرگان عربی، از تو بعید است چنین کرده باشی!». قیس جواب می دهد: «ترس از اینکه چون تویی بخواهد با آنها ازدواج کند، مرا وادار به این کار کرد!». در اینجا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تبسم می کنند و در فضیلت قیس می فرمایند: «او سید و بزرگ اهل بادیه است».<sup>(1)</sup>

این نیز دلیلی دیگر بر جواز توهین به ابوبکر به دلیل تقریر پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم) می باشد.

و از پیشه او معلوم می شود که او حداقل از اغنیاء و متمولین مکه نبوده و اغنیاء و بزرگان مکه اشخاص معروف بوده اند که ابوبکر از جمله آنها نبوده است.

ابن مفضوص روایت می کند: روزی ابوبکر در اثر شرب خمر مست کرده بود و برای کشته شدگان بدر (از مشرکین) نوحه و مرثیه سرایی می کرد و در رثای آنها اشعاری را زمزمه می نمود. خبر که به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می رسد، ایشان در حالی که چیزی در دست داشتند، دست مبارک خود را بلند کردند که ابوبکر را بزنند. در این حال ابوبکر می گوید: «از خشم و غضب خدا و رسولش به خدا

ص: 17

---

1- - نثر الدر آبی، ج 1، ص 150؛ محاضرات الأدباء، راغب، ج 1، ص 148.

به هر حال عایشه دختر پدری است چون ابوبکر با این اوصاف!

### مادر عایشه

مادر عایشه ام رومان بنت عامر ابن عویمر ابن عبد شمس ابن عتاب ابن اذینه بوده است و پس از هلاکت شوهرش عبداللّه بن حارث با یک پسر به نام طفیل به خانه ابوبکر آمده با او ازدواج کرده است.

بنابر آنچه در تاریخ آمده، او زن بدنمایی بوده که هرگاه شخصی می خواسته به عایشه یا خانواده او توهین کند، نام ام رومان را می برده است.

روزی ابوبکر به خانه پیامبر (صلی اللّٰه علیه وآله وسلم) می رود و از ایشان اجازه ورود می گیرد. در این حال صدای عایشه را می شنود که صدای خود را بر رسول خدا (صلی اللّٰه علیه وآله وسلم) بلند کرده است. پیامبر (صلی اللّٰه علیه وآله وسلم) به او اجازه ورود می دهند، زمانی که داخل می شود با قصد زدن عایشه با تندی به او می گوید: «ای دختر ام رومان، آیا صدای خود را بر رسول خدا (صلی اللّٰه علیه وآله وسلم) بلند می کنی؟!». (2)

ص: 18

---

1- - نوادر الأصول في احاديث الرسول، ترمذی، ج 1، ص 109.

2- - مسند احمد، ج 2، ص 272.



و این در حالی است که طبق آیه دوم سوره حجرات، چنانچه کسی صدای خود را بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بلند کند، سزای او حبط و نابودی تمام حسنات خواهد بود.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ). (1)

### برادر عایشه

برادر عایشه، عبدالرحمن ابن ابوبکر و هر دوازده ام رومان بوده اند.

از جمله آیاتی که علیه عبدالرحمن نازل شده، آیه 71 سوره انعام می باشد:

(كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ).

قرطبی در کتاب تفسیرش (2) ذیل این آیه شریفه اضافه می کند: «او از جمله اشخاصی بود که در جنگ بدر و احد در لشکر مشرکین با مسلمانان جنگید».

و معاویه بن ابی سفیان به پسرش یزید می گوید: «بدان! پسر ابوبکر (عبدالرحمن) مردی است که هر چه دوستانش انجام دهند،

ص: 19

---

1- - سوره حجرات، آیه 2.

2- - تفسیر قرطبی، ج 7، ص 18.

او نیز چنین کند و تمام سعی و تلاش او در لهو و کارهای بیهوده است و او شخصی عیاش است که همش زنان می باشد» (1).

## خواهران عایشه

خواهر اول اسماء که همسر موقت زبیر بود، او فرزندی به نام عبدالله به دنیا آورد که در دشمنی با امیرالمؤمنین (علیه السلام) شهرت داشت و به خاطر این دشمنی، عایشه او را خیلی دوست می داشت و مردم به عایشه لقب ام عبدالله داده بودند.

خواهر دوم او ام کلثوم بود که وقتی عایشه می خواست مردان عرب را با خودش محرم کند، به خواهرش ام کلثوم می گفت به آن مرد از سینه هایش شیر دهد تا با او محرم شود و ام کلثوم زن طلحه بوده است. (2)

## حسادت عایشه

عایشه می گوید: «به هیچ زنی به اندازه خدیجه حسادت نورزیدم» (3).

با توجه به اعتراف عایشه بر علیه خودش (حسادت نسبت به

ص: 20

---

1- - البدایة والنہایة، ابن کثیر، ج 8، ص 123.

2- - بدائع الصنائع، ابوبکر الکااشانی حنفی، ص 5.

3- - فضایل الصحابة، احمد بن حنبل، ص 75.

گروهی از زنان به خصوص حضرت خدیجه (علیها السلام) ( او یکی از «اهل النار» است.

روزی مقداری گوشت به عنوان هدیه به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پیشکش می شود. حضرت مقداری از آن را توسط شخصی به خانه بانویی می فرستند. زمانی که عایشه متوجه می شود شروع به اعتراض می کند. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با حالت خشم به او می فرمایند: «او زنی است که خدیجه (علیها السلام) مرا به مراعات حال او سفارش کرده است».

عایشه با ترش رویی می گوید: «مثل این است که در دنیا زنی به جز خدیجه وجود نداشته است!». سپس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با خشم او را ترک می کنند. مادر عایشه واسطه می شود و به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض می کند: «ای رسول خدا! او زنی جوان و بی تجربه است. سزاوار است او را عفو بفرمایید». پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) جهت تأدیب عایشه، دو طرفدهان او را می گیرد و می فرمایند: «تو نگفتی مثل این است که در دنیا زنی چون خدیجه وجود نداشته است؟ به خدا قسم، زمانی که قبیله تو کافر بودند، او به من ایمان آورد و او برای من فرزندی به دنیا آورد که شما از آن محرومید». (1)

حسادت عایشه نسبت به أم المؤمنین خدیجه (علیها السلام) باعث شد او

ص: 21

احادیثی را جعل کند و به جای اسم خدیجه اسم پدرش را جایگزین نماید.

عایشه می گوید: «روزی صفیه غذایی برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرستاد که خود آن را تهیه دیده بود. پس تا فرستاده او را دیدم لرزه ای بر تنم مستولی شد که ظرف را شکسته و آن را به طرفی پرتاب کردم. در این حال، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را دیدم که غضبناک به من نگاه می کند، به او عرض کردم: به رسول خدا پناه می برم از اینکه امروز بخواهد مرا نفرین کند».<sup>(1)</sup>

روزی أم المؤمنین ام سلمه بشقاب غذایی برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و اصحابش حاضر کرد. عایشه در حالی که خود را با رواندازی پوشانده بود، با سنگی که در دست داشت بشقاب غذا را شکست».<sup>(2)</sup>

ابن تیمیه در اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم<sup>(3)</sup> آورده: «وقد اعظم هذه المنتسبین إلى العلم وغيرهم بنوع من الحسد لمن هداه الله لعلم نافع أو عمل صالح وهو خُلِقَ مذمومٌ مطلقاً، وهو في هذا الموضع من اخلاق المغضوب عليهم».

ص: 22

---

1- - مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 277.

2- - مشکل الآثار، طحاوی، ج 4، ص 316.

3- - اقتضاء، ص 6.

بنابراین حسادت عایشه به اعتراف خودش، او را در جرگه «المغضوب علیهم» قرار داده است.

## عایشه یکی از سه دروغ گو

### خرافه ازدواج پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم) با دختر بچه ای خردسال

مطلب مهمی که دشمنان اسلام از یهود و نصاری بر ضد اسلام بسیار تبلیغ می کنند، قضیه ازدواج پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با عایشه می باشد و آن هم مبتنی است بر سخنان عایشه که سن خود را در زمان ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فقط شش سال می داند. آنها می گویند: این پیرمرد را ببینید در حالی که بیش از پنجاه سال از عمرش گذشته بود، چگونه دختر بچه ای شش ساله را برای ازدواج انتخاب می کند، کودکی که از نظر سن، نوه او به حساب می آمده است؟! در طول تاریخ کدام پیامبری را سراغ دارید که چنین عملی غیر انسانی را مرتکب شده باشد؟

مسلم از عروه و او از عایشه روایت می کند: پیامبر او (عایشه) را در هفت سالگی عقد کرده و در سن نه سالگی در حالی که او هنوز با عروسک ها بازی می کرد، به ازدواج خود درآورد». (1)

ص: 23

عن هشام عن ابيه (عروه) عن عائشة قالت: «تزوجني النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) وأنا بنت ست سنين!». (1) زمانی که من فقط شش سال داشتم، پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) با من ازدواج نمود.

چند اشکال به این خرافه

اشکال اول: او در یک جا سن ازدواج خود را در شش سالگی نقل می کند و در جای دیگر در هفت سالگی و این تناقض است، با توجه به این نکته که هر دو خبر را پسر خواهر او عروه روایت کرده است.

اشکال دوم: عایشه در سال پنجاه و هشت هجری در زمان خلافت معاویه به هلاکت رسید و او در آن سال، نزدیک هفتاد سال سن داشته است. (2) طبق این قول، عایشه قبل از هجرت دوازده ساله بوده است و طبیعتاً قول شش سالگی او در این روایت تکذیب می شود.

اشکال سوم: از یوسف ابن ماهک روایت شده نزد عایشه بودم که او گفت: «در مکه زمانی که من با عروسک ها بازی می کردم، این آیه بر پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) نازل شد (3):

ص: 24

---

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 251.

2- المعارف، ابن قتیبه، ص 29.

3- صحیح بخاری، ج 6، ص 56.

در این حدیث عایشه فکر می کند او دختر بچه ای بوده که مشغول با اسباب بازی بوده که این آیه بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مکه نازل شده است. در حالی که مفسرین از ابن عباس روایت کرده اند: فاصله نزول این آیه با غزوه بدر هفت سال بوده است. (2)

چون غزوه بدر دو سال پس از هجرت اتفاق افتاد، زمان نزول این آیه پنج سال قبل از هجرت بوده است و طبق مطالب گذشته عایشه در آن موقع یک ساله یا حداکثر دو ساله بوده است و در این سن در دوران طفولیت و شیرخوارگی بوده نه دختر بچه ای که به بازی مشغول باشد. با این حساب او در سال نزول این آیه نه تنها دختر بچه ای در سن نزدیک به بلوغ بوده بلکه دختر بزرگی بوده است که عقل او چنان کامل شده بود که متوجه نزول آیه بوده بلکه آیات را حفظ می کرده است. از طرف دیگر اگر قبول کنیم او در زمان ازدواجش با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شش ساله بوده پس در نقل این حدیث او دروغ گو و کذاب بوده است.

اشکال چهارم: در کتاب طبقات الکبریٰ ابن سعد (3) آمده:

ص: 25

---

1-- سورة قمر، آیه 46.

2-- تفسیر قرطبی، ج 17، ص 146.

3-- طبقات الکبریٰ، ج 8، ص 59.

عایشه را شوهری بوده به نام جُبیر ابن مُطعم که او را طلاق داده بوده، و این مطلبی است که از چشم بسیاری از مردم مخفی مانده است. حال چگونه ممکن است او در سن شش سالگی با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ازدواج کرده در حالی که قبل از او یک بار ازدواج کرده و طلاق گرفته است؟!

اشکال پنجم: از هشام از پدرش عروه روایت شده: سه سال قبل هجرت نبوی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت خدیجه (علیها السلام) از دنیا رحلت فرمود، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز دو سال یا نزدیک دو سال از ازدواج با همسری دیگر خودداری فرمود، سپس عایشه شش ساله را عقد و در سن نه سالگی با او ازدواج فرمود. (1)

از مفاد این روایت چنین برمی آید که عایشه یک سال قبل از هجرت به عقد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درآمد و دو سال پس از هجرت حضرت با او ازدواج فرمودند. چون حضرت خدیجه (علیها السلام) سه سال قبل از هجرت رحلت فرموده و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز تا دو سال یا نزدیک دو سال با هیچ زنی ازدواج نفرمود.

با این وصف عایشه تا سال دهم هجری که سال شهادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) است فقط مدت هشت سال با ایشان بوده در حالی

ص: 26



که بخاری از هشام از پدرش (عروه) از عایشه روایت می کند: «پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) او را در سن شش سالگی عقد فرمود و در سن نه سالگی با او ازدواج فرمود و او مدت نه سال با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است»<sup>(1)</sup>.

این دو روایت که هر دو را صحیح می دانند یکدیگر را نقض می کنند. اگر اولی صحیح باشد نه سال با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بودن عایشه دروغ است و اگر دومی درست باشد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) یک سال قبل از هجرت او را عقد نفرموده است. اینجاست که دروغ گویی عایشه او را در این ورطه انداخت، با توجه به اینکه راوی هر دو روایت یک نفر می باشد.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «سه نفر بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دروغ بستند: ابوهریره، انس بن مالک و عایشه»<sup>(2)</sup>.

علی بن ابراهیم قمی به سند خود از زراره روایت می کند که او گفت: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که ایشان فرمود: «زمانی که ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا رفت، ایشان به شدت بر او اندوهگین شدند، در این حال عایشه به ایشان عرض کرد: «بی جهت خود را این چنین ناراحت نکن چون او فرزند ابن جریح قبطی بود». پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شخصی را فرستادند که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیغام دهند تا

ص: 27

---

1- - همان، ج 6، ص 134.

2- - خصال، شیخ صدوق، ص 190.

ابن جریح را یافته و به قتل برساند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حالی که شمشیری در دست داشت او را در باغی یافت. چون او صدای درب را شنید و علی (علیه السلام) را در پشت درب با شمشیر دید بدون آنکه به او پاسخی دهد فرار کرده از درخت خرمايي بالا رفت. به دنبال فرار او، حضرت از دیوار باغ گذشته وارد باغ شد و او را تعقیب کرده از آن درخت بالا رفت. ابن جریح که چنین دید خود را از بالای درخت به پایین انداخت. پس از افتادن او در حالی که کشف عورت شده بود، همگان به این مطلب مهم پی بردند که او شخصی خنثی است (یعنی نه زن نه مرد) پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با شنیدن این خبر، حمد خدا را به جای آورد که این تهمت ناروا را از خاندان ایشان برطرف فرمود. [\(1\)](#)

## فساد در دین توسط عایشه

### اشاره

تمام مسلمین بر این مطلب که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در تبلیغ آیات کتاب و احکام خدا معصوم می باشد اختلاف ندارند و اگر در این مهم شک کنند، در اعتقادات اسلامی، دیگر سنگ روی سنگ قرار نمی گیرد و در تمام آن باید شک کرد.

این نکته را عایشه خوب فهمیده بود لذا به ساختن احادیثی

ص: 28

پرداخت که عصمت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را حتی در ابلاغ آیات قرآن زیر سؤال ببرد، از آن جمله: عایشه می گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد شنید که شخصی قرآن می خواند، فرمود: «خدا رحمت خود را بر او نازل کند او آیاتی از فلان سوره را به یاد آورد». (1)

البته این تهمت را خداوند در قرآن از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دور نمود:

(سَنْقَرُوكَ فَلَا تَنْسَى). (2)

ما قرآن را بر تو می خوانیم تا مطلقاً نسیان و فراموشی بر تو راه نیابد.

### ادب کردن کودک یتیم توسط عایشه

نزد عایشه از تأدیب کودک یتیم سخن به میان آمد؛ او گفت: من آن قدر یتیم را می زنم تا بر زمین پهن شود. (3)

چه زن عجیبی که چنین وحشتناک کودک یتیم را تربیت می کند! مگر خداوند متعال دستور به مراعات و اکرام یتیم نفرموده؟

(أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ \* فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ). (4)

ص: 29

---

1- صحیح بخاری، ج 6، ص 110 و ج 3، ص 152؛ صحیح مسلم، ج 2، ص 190، با کمی اختلاف در الفاظ.

2- سوره اعلی، آیه 6.

3- الأدب المفرد، بخاری، ص 41.

4- سوره ماعون، آیات 1 و 2.

روزی در حالی که بر شتر سوار بود، چنان آن را می زد که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) او را توبیخ نموده، فرمود: «ای عایشه! با رفیق و مهربانی با آن مدارا کن. تو فریاد آن را درآوردی و کار بر او سخت گرفتی!» (1)

### نسبت دادن رذائل اخلاقی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط عایشه

عایشه نزول سوره عبس را در رابطه با اخم کردن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در صورت ابن مکتوم نابینا می داند. در زمانی که این فرد نابینا و فقیر با لباس های مندرس وارد مجلسی می شود که بزرگان قریش در آن جمع شده و مشغول گفتگو و مذاکره با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند، عایشه می گوید: «او زمانی که نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نشست، آن حضرت لباس های خود را جمع کرد و بر ابن مکتوم چهره در هم کشید.» (2)

آیا واقعاً پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین است؟ پیامبری که خدای متعال او را به گونه ای دیگر معرفی می کند:

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

ص: 30

---

1- صحیح مسلم، ج 8، ص 32.

2- مستدرک حاکم، ج 3، ص 634؛ تفسیر رازی، ج 16، ص 353.

بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ). (1)

و در جای دیگر می فرماید:

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ). (2)

در این باره امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «این سوره درباره شخصی از بنی امیه نازل گردید که نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) حضور داشت. زمانی که این مکتوم وارد شد، آن شخص چهره خود را در هم کشید و خود را جمع کرده و از او روی گردانید. پس خداوند در این سوره، این واقعه را ذکر فرموده و آن را تقبیح کرده است». (3)

## طلاق عایشه

### اشاره

در صحیح بخاری آمده که عایشه و حفصه آن قدر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را با زبان و اعمال خود آزار و اذیت می کردند که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آنها را طلاق داد (طلاق رجعی) و مدتی از آنها جدا شد. (4)

و مسلم در کتاب صحیح خود در شأن نزول آیه: (عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ). (5) گفته: «این آیه

ص: 31

---

1-- سوره توبه، آیه 128.

2-- سوره قلم، آیه 4.

3-- مجمع البیان طبرسی، ج 10، ص 266.

4-- بخاری، ج 6، ص 7.

5-- سوره تحریم، آیه 5.

زمانی نازل شد که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آن وقت عایشه و حفصه را طلاق داد (طلاق رجعی).<sup>(1)</sup> و این برخورد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نشانه این است که پیامبر نه تنها علاقه و محبتی به عایشه و حفصه نداشت، بلکه از دست آن دوزن خسته شده و تنهایی را بر حضور نزد آنها ترجیح می داد.

و اما پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در شب شهادت خود به امیرالمؤمنین (علیه السلام) وصیتی می فرمایند که در قسمتی از آن چنین آمده است: «ای علی تو وصی من هستی بر خانواده ام، چه در حال حیات باشند یا از دنیا رحلت کرده باشند و تو وصی من هستی بر همسرانم. پس، از آنان هر کدام بر اطاعت از خدا ثابت قدم ماند، در روز قیامت مرا ملاقات خواهد کرد و هر کدام را که تو طلاق دهی، من نیز از او بیزار می جسته و او در قیامت مرا ملاقات نخواهد کرد و من هم نظری به او نخواهم کرد و تو پس از رحلت من، خلیفه و جانشین من بر امتم هستی». <sup>(2)</sup>

### این طلاق چه زمانی اتفاق افتاد؟

حضرت علی (علیه السلام) امر طلاق همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را به سبط اکبر، امام حسن مجتبی و ایشان به وصی خود امام حسین (علیه السلام) سیدالشهداء، تفویض فرمودند. وقتی که عایشه بر قاطری سوار

ص: 32

---

1- صحیح مسلم، ج 4، ص 188.

2- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 28، ص 107.

بود و با عده ای از دفن پیکر پاک فرزند رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، امام حسن مجتبی (علیه السلام) در جوار آرامگاه آن حضرت جلوگیری کرد، این طلاق به دست ایشان صورت گرفت.

مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب روایت می کند: حسین (علیه السلام) تصمیم به دفن او در جوار رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) گرفت که عایشه در حالی که سوار بر قاطری بود، مردم را علیه او شوراند و مانع از این کار شد. روایت شده که در این حال، حسین (علیه السلام) طلاق عایشه را جاری کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) امر طلاق همسران خود را به دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن حضرت این اختیار را به امام حسن (علیه السلام) و او به برادرش امام حسین (علیه السلام) داده بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «از همسران من کسی هست که روز قیامت مرا نخواهد دید و آن کسی است که به دست جانشین من طلاق داده خواهد شد».<sup>(1)</sup>

و در روایت دیگر آمده که طلاق عایشه به دست خود امام علی (علیه السلام) جاری شد. مانند این روایات: «في الطرف: تخرج عليك فلانة وتتخلف الأخرى تجمع لها، هما سواء فما أنت صانع؟ قال: أدعوها إلى الكتاب والسنة وبيان حقي عليهما فإن قبلتا وإلا قاتلتهما. قال: وتحقر الجمل وإن وقع في النار. قال: نعم. قال:

ص: 33

اللّٰهُمَّ فَاشْهَدْ ثَمَّ قَالَ: فَأَنْبِئُهُمَا مَنْيَ بَأَنْهُمَا بَأَنْتَتَانِ وَأَبُوهُمَا شَرِيكَانِ لِهَمَا فِيمَا فَعَلْتَا». (1)

خارج می شود بر تو فلاخن زن (عایشه) و تخلف می کند دیگری از تو (حفصه)؛ جمع می کند بر تو سپاه (یا سلاح و...) آن دو باهم مساوی هستند پس تو چه می کنی (با آنها)؟ علی (علیه السلام) فرمود: آن دو را به کتاب و سنت و بیان حق خودم بر آن می خوانم. اگر قبول کردند که هیچ وگرنه با آنان قتال و جنگ می کنم. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «خدایا شاهد باش». سپس فرمود: «از طرف من آنها را طلاق بائن بده که به درستی آن دو مطلقه بائن هستند و پدران این دو زن شریک هستند با آن دخترانشان در آنچه که انجام می دهند».

و روایت شده از امام باقر (علیه السلام) که فرمود: «در روز جنگ جمل، عایشه سپاهیان خود را تحریک به جنگ کرد توسط تیری که به سمت سپاه امیرالمؤمنین فرستاد».

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «به خدا سوگند مرا دیگر نمی بینی، مگر در حالی که مطلقه باشی. پس سوگند می دهم به خدا هر مردی را که شنید از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) که فرمود: یا علی امر زنان من بعد از من به دست توست، که بایستد و شهادت دهد. فرمود: پس ایستادند

ص: 34



سیزده مرد که در میان آنان جماعت اهل بدر نیز بودند و شهادت دادند که آنها از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) این مطلب را شنیدند و گفتند که پیامبر فرمود: یا علی امر زنان من بعد از من به دست توست» (1).

و در روایت دیگر که از سعد بن عبدالله قمی آمده، این گونه بیان شده که در خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) بودند و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم در آنجا حضور داشتند. بعد سعد چند سؤال کرد و امام حسن عسکری (علیه السلام) دستور داد از پسر مهدی پرس. سعد سؤال کرد از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که از حضرت رسول روایت شده که طلاق زنان من در دست امیرالمؤمنین است و چگونه می شود که پس از فوت پیامبر، آن را طلاق داد؟ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: چگونه می شود که خداوند فرمود: ازدواج بعد از فوت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) حرام است، همین طور می شود گفت که طلاق دادن زنان بعد از فوت پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می شود. بعد، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند که خداوند به زنان پیامبر، مقام أم المؤمنین را داده است و حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «ای ابالحسن! زنان من تا وقتی أم المؤمنین هستند که بر طاعت خداوند باشند و بر طاعت تو خروج نکنند که اگر خروج کردند آنها را از مقام أم المؤمنینی طلاق بده».

ص: 35

پس سعد سؤال کرد: منظور از (فاحشة مبینة) یعنی چه؟

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند: «منظور از فاحشة مبینة یعنی سحّاق» که بدتر از زنا است»<sup>(1)</sup>.

### بی حرمتی و بی ادبی عایشه و حفصه به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

این عایشه و حفصه بودند که بی حرمتی به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را به حدّ اعلی رساندند، آن زمانی که این دو زن نزد ملیکه همسر جدید پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده و گفتند: «ای ملیکه! اگر می خواهی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را شاد کنی، نزد پیامبر برو و به او بگو: (أعوذ بالله منك) یعنی به خدا پناه می برم از تو. این ملیکه ما هر وقت می خواستیم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را خوشحال کنیم، نزد او رفته و با این کلمات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را خوشحال می کردیم». این زن بیچاره و ساده، نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رفت و این کلمات را به آن حضرت گفت.<sup>(2)</sup>

شما تصور کنید پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با شنیدن این حرف ها و تهمت ها، چه شکنجه های روحی را تحمل می کردند.

عایشه، حفصه و سوده، با کمال بی ادبی به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دستور می دادند و به او بی حرمتی می کردند. حتی نقل شده که روزی

ص: 36

1-- بحار الأنوار، ج 52، صفحات 82 و 83.

2-- طبقات، ابن سعد، ج 8، ص 145.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در خانه ام سلمه نشسته بودند که این سه زن نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده و با کمال بی حیایی به آن حضرت گفتند: «حقدر بوی بدی می دهی! مگر صمغ درختان را خورده ای که این قدر بوی بد است؟!» (1)

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هیچ وقت در خانه عایشه احساس راحتی نمی کردند، هر وقت وارد خانه می شدند، با حرف ها و بی حرمتی هایش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را آزار می داد.

روایتی است که ابن سعد از خود عایشه نقل می کند. عایشه می گوید: «بارها پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مرگ مرا آرزو می کرد و می فرمود: عایشه دوست دارم آن لحظه ای که تو بمیری، من زنده باشم و بر تو نماز گذارم و دفنت کنم». (2)

عایشه پس از اینکه این حرف ها را از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می شنید، صدایش را بالا می آورد و می گفت: «من می دانم که تو چرا آرزوی مرگ مرا داری؛ چون من مانع ازدواج تو هستم. آرزو داری من بمیرم که بروی با زن های دیگر ازدواج کنی و آنها را در خانه من جای دهی». (3)

ص: 37

- 
- 1- - تفسیر قرطبی، ج 5، ص 403.
  - 2- - طبقات، ابن سعد، ج 2، ص 206.
  - 3- - صحیح بخاری، ج 6، ص 190.

و بارها شده که عایشه این نسبت های دنیوی و شهوتی را به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می داد.

### عایشه بیوه ای که به عقد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درآمد

در کتاب طبقات ابن سعد (1) آورده: «عایشه را شوهری بوده به نام جبرین مطعم که او را طلاق داده بوده و این مطلبی است که از چشم بسیاری از مردم مخفی مانده است».

آلوسی در کتاب تفسیرش (2) آورده: حضرت زهرا (علیها السلام) به توصیه پدر بزرگوارش به وجود مادرش خدیجه (علیها السلام) بر عایشه افتخار می کند. آنجا که می فرماید: «مادر من کسی است که پدر من در حالی با او ازدواج فرمود که قبل از او کسی با وی ازدواج نکرده بود، در حالی که هیچ یک از شما (زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)) چنین نیستید. پس عایشه با شنیدن این سخن، سکوت را بر هر سخنی ترجیح داد».

این مطلب را در کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (3) نیز از قول بلاذری و ابی القاسم کوفی و سید مرتضی آورده است و

ص: 38

---

1- - طبقات، ج 8، ص 156.

2- - تفسیر آلوسی، ج 28، ص 156.

3- - مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 138.

سومین همسر عایشه طلحه پسرعمویش بود که در راه بصره با هم ازدواج کردند. (1)

طلحه داماد ابوبکر یعنی شوهر ام کلثوم بوده و پسرعموی عایشه می شده است. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وقتی که به حجره عایشه آمد، دید طلحه در آن حجره است. رنگ صورت آن حضرت تغییر کرد و به عایشه گفت: این کیست؟ گفت: این پسرعموی من است. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: دیگر این کار را نکن و طلحه پس از شنیدن این سخن از پیامبر، گفت: به خدا قسم پس از فوتش با همسرش ازدواج می کنم. سپس این آیه نازل شد: (وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا). (2) این مسلمانان! بعد از پیامبر، با زنانش تا ابد ازدواج نکنید زیرا نزد خداوند این کار بسیار عظیم و بزرگ است.

تمام مفسرین شیعه و سنی به اینکه این آیه درباره طلحه نازل شده است، اتفاق دارند. (3)

ص: 39

---

1- - تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 375؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 24.

2- - سوره احزاب، آیه 53.

3- - الطبقات الكبرى، ج 8، ص 201؛ تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 513؛ بحار الأنوار، ج 17، ص 15.

یکی از مظلومیت های حضرت رسول این است که معمولاً به چگونگی شهادت ایشان توجه نمی شود و معمولاً بر سر زبان های مردمان است که گفته می شود رحلت (و نه شهادت) حضرت رسول!

حال قصد داریم در رابطه با کیفیت شهادت و قاتلین آن حضرت مطالبی بیان کنیم:

علمای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به سبب سمی بوده که به حضرت خورانده شده است.

ابن سعد گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به سبب سم وفات کردند در حالی که شصت و سه سال سن داشتند. [\(1\)](#)

و حدیثی از خود ایشان که حضرت فرمودند: «ما متنا إلا مسموم أو مقتول» [\(2\)](#) از ما اهل بیت کسی وفات نمی کند مگر اینکه به او سم خورانده شود یا او را بکشند.

### اما چه کسی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را مسموم کرد؟

می توان به روایتی که بخاری و مسلم از عایشه نقل می کنند اشاره کرد. عایشه گوید: «در ایام بیماری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت دارویی خوراندیم. اما در آن حال، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به ما اشاره می کرد که

ص: 40

---

1- - المجری من الأسناب، ص 6.

2- - بحار الأنوار، ج 27، ص 217، به نقل از کفایة الأثر، ص 227

این دارو را به من نخورائید. سپس پیامبر فرمود: در اتاق کسی وجود ندارد که آن دارو را به من نخورائیده باشد و من نگاه می کردم، مگر عمویم عباس که از شما نبوده». (1)

و در روایتی دیگر آمده: به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دارویی خوراندند در حالی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مقهور بود. زمانی که قهر از چهره مبارکشان زائل شد، فرمودند: «چه کسی این دارو را به من خوراند؟ این عمل از کارهای زنان است که از آنجا آمدند و اشاره کردند به سرزمین حبشه». (2)

و تاریخ و نصوص ثابت کرده که عایشه و حفصه دوزن حبشی بوده اند.

در این روایت قرآنی دیده می شود که نشان می دهد خوراندن آن دارو (که در واقع سم بوده) توسط چند نفر صورت گرفته و در وقتی بوده که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آن وقت خوابیده بوده اند و این افراد با قهر، دهان مبارک پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را باز کرده و آن دارو را در دهان آن حضرت ریخته اند و پس از اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بیدار می شوند، آنها را از خوراندن دارو نهی می کنند ولی عایشه و افرادی که او را در این کار همراهی می کردند، کار خود را تمام کرده بودند. (آن افراد

ص: 41

---

1- بخاری، ج 7، ص 17.

2- قرب الموارد، ج 2، ص 886.

همان کسانی بودند که از لشکر اسامه تخلف کرده بودند یعنی همان عمر و ابوبکر)

اگر آن مایع دارو بود و سبب شفا یافتن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می شد، آیا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نمی دانست که دارو برای بیمار مفید است و فقط عایشه، عمر و ابوبکر می دانستند؟ یا اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مصلحت خود را نمی دانست و فقط آن افراد بودند که مصلحت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را می دانستند؟!

تردید نیست که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هم به فکر سلامتی و مصلحت خود بوده و هم بیشتر از هر کسی می دانست چه دارویی برای خودش مفید است؛ با این حال علم داشت که عایشه، عمر و ابوبکر افرادی نیستند که سلامتی او را بخواهند و به فکر دارو برای حضرتش باشند و می دانست آن مایعی که دست این افراد است، داروی سلامتی نیست بلکه سمی است که طعمش با طعم دارو یکی است، لذا این افراد وقت را غنیمت شمرده و به جای دارو به حضرتش سم خوراندند و بعد از اینکه پیامبر بیدار شدند و سؤال کردند که چه کسی این کار را با من انجام داد، یعنی چه کسی سم را به من خوراند، کسانی که نزد پیامبر حاضر بودند، همگی گفتند: عمویت عباس. (1) اما پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عباس را از این عمل تبرئه کردند.

ص: 42



اگر این افراد حقیقتاً به پیامبر دارو داده بودند، چرا به پیامبر گفتند: عمویت عباس! مگر دادن دارو به پیامبر ترس دارد و ارتکاب گناه محسوب می شود که این افراد آن فعل را از خود دور می کنند؟

پس معلوم می شود حقیقت چیزی دیگر است که بر شخص متأمل مخفی نیست.

### شبهه ای در مورد مسموم شدن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

وقتی که مسموم شدن پیامبر معلوم شد، بنی امیه آمدند و گفتند: «آن زن یهودی که در معرکه خیبر در غذای پیامبر سم گذاشته بود، بعد از چند سال اثر خود را در بدن پیامبر گذاشته و باعث قتل پیامبر شده، در حالی که پیامبر بعد از کمی خوردن از آن غذا متوجه سم شدند و آن غذا را قی کردند و غذا وارد بدن ایشان نشد».<sup>(1)</sup>

اما این شبهه سست تر از آن است که نیازی به پاسخ داشته باشد اما به صورت اختصار می گوئیم:

اولاً: در جای خود ثابت شده که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آن غذا را قی کردند و به آن افرادی که هم سفره ای او بودند، اطلاع دادند.<sup>(2)</sup>

ص: 43

---

1- - طبری، ج 2، ص 303.

2- - فتح الباری، ج 8، ص 417؛ صحیح بخاری، کتاب لجزیه.

ثانیاً: بر فرض اینکه بگوییم پیامبر از آب و غذا تناول کرده بودند، اما این جریان در سال هفتم هجری بوده در حالی که شهادت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در سال یازدهم واقع شد و چگونه ممکن است که سم بعد از حدوداً چهار سال اثر خود را بگذارد؟

### پس از شهادت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

به محض اینکه پیامبر از دنیا رفت، سه نفر از قریشیان، یعنی ابوبکر و عمر و ابوعبیده، به سایبان بنی ساعده شتافتند.

صاحب سایبان یا همان سقیفه بنی ساعده و بسیاری از طلقای (1) قریش هم همراه آن سه نفر بودند؛ همچنین دو نفر از قبیله اوس که با سعدبن عباده رقابت داشتند. پس از ساعتی بگو مگو ابوبکر گفت: از میان این دو نفر که می گوییم یکی را برگزینید و با او بیعت کنید: عمر و ابوعبیده. اما عمر و ابوعبیده پاسخ دادند: تو از ما سزاوارتری! پس ابوبکر دستش را پیش آورد ابتدا آنها و بعد انصار با او بیعت کردند و بعد مردم را مجبور کردند که با او بیعت کنند. بزرگان مهاجر و انصار به این کارشان اعتراض کردند و از بیعت با ابوبکر سر باز زدند و در خانه علی (علیه السلام) تحصن کردند. سپس عمر با گروهی مسلح و مقدار زیادی هیزم آمد و تهدیدشان

ص: 44

کرد که اگر بیعت نکنند، خانه را بر سرشان به آتش می کشاند!

سپس سیطره خود را بر مسجد و قبر شریف پیامبر، شدت بخشیدند و جلوی برگزار شدن مجلس سوگواری پیامبر را که حضرت فاطمه (علیها السلام) در مسجد برپا کرده بود، گرفتند! حضرت فاطمه (علیها السلام) هم مجلس را هر روز صبح تا ظهر در خانه خود برپا می کرد و زنان مدینه می آمدند و به همراه حضرت زهرا (علیها السلام) سوگواری می کردند.

آنها با این بهانه که گریه کردن برای مرده حرام است و مردم شکایت کرده اند که این مجلس آنها را از کار و زندگی انداخته است، جلوی این را هم گرفتند.

سپس حضرت زهرا (علیها السلام) مجلس را به قبرستان بقیع برد و زیر درخت کُنار بزرگی که آنجا بود، برگزار کرد که فرستادگان عمر، شبانه درخت را قطع کردند و ...

در آن روزها حدیث های زیادی از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ساخته شد که تجمع کردن در کنار قبر شریف او و حتی نماز خواندن در آنجا حرام است. عایشه هم به عنوان دختر خلیفه و همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وارث و سرپرست مرقد و خانه او شناخته شد و از این جمله احادیث.

ص: 45

در صورتی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در دوران زندگی خود، دستورهایی را از سوی خدا برای مردم بازگو کرده است که بر روی هم، مجموعه ای سنجیده و منسجم را می سازند و جزئیات رابطه امت را با خاندان پیامبر و حتی با مرقد و میراثش روشن می کند. پس ممکن نیست سفارش درباره جای دفن پیامبر از قلم افتاده باشد به ویژه که پیوند او با وحی، تا هنگام درگذشتن هم ادامه داشته است و حدیث های بسیاری هست که این نکته را نشان می دهد؛ برای مثال، از حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «یکی از سفارش های پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) این بود که در خانه اش به خاک سپرده شود؛ با سه پارچه که یکی شان یمنی بود کفن شود، و کسی جز علی (علیه السلام) درون قبرش نرود».(1)

اما جالب این جاست که هیچ یک از طُلُقا و بزرگانِشان، نه در مراسم آماده کردن پیکر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شرکت کردند و نه در نماز و خاک سپاری ایشان، چون گرم کارهای سقیفه بودند. روایت های بسیاری نشان می دهد که عایشه و پدرش ابوبکر، و حفصه و پدرش عمر، هیچ کدام در مراسم نبوده اند. از جمله: خطیب در کتاب اکمال الدین، صفحه 21 می گوید، ابن شیبیه گفته است(2): «ابوبکر و عمر، خاک سپاری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را ندیدند. آنها میان انصار

ص: 46

---

1- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 206.

2- المصنف، ج 14، ص 568.

بودند و پیش از اینکه برگردند، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دفن شده بود».

عایشه گفته است: «از خاک سپاری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خبردار نشدیم، تا شب چهارشنبه دیروقت، صدای بیل ها به گوشمان رسید».<sup>(1)</sup>

عایشه و حفصه پیکر پاک او را از نخستین لحظه های پس از مرگ رها کردند. از آن پس عایشه حسرت می خورد که چرا حضرت علی (علیه السلام) در غسل و کفن و دفن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است و او نبوده و نیز او می گفت: «اگر زمان بر می گشت، به جز همسرانش کسی غسلش نمی داد».<sup>(2)</sup>

و یکی از حدیث های جعلی که عایشه بعد از وفات پیامبر از خود ساخت، این بود که هنگام مرگ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به سینه او تکیه داده بود و رحلت نمود!

اما این ادعا که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از جهان رفت، در حالی که به سینه عایشه تکیه داده بود، با اخبار صحیح و متواتر که از طریق عترت پاک نقل شده است در تعارض است و اما از طریق غیر عترت، ابن سعد<sup>(3)</sup> از علی (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام بیماری اش فرمود: «برادرم را بخوانید تا پیش من آید. پیش او آمدم، آنگاه به

ص: 47

---

1- - سیره ابن هشام، ج 4، ص 1078

2- [2]- ابن الجارود در المنتق، ص 257.

3- - کنزالکمال، ج 4، حدیث 1107، ص 55.

من فرمود: به من نزدیک شو، نزدیک شدم. آن حضرت به من تکیه کرد، تکیه اش به من بود و با من سخن می گفت، حتی مقداری از آب دهانش روی من ریخت، سپس رحلت فرمود».

## ادعای عایشه درباره به ارث بردن ائمه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و یا داشتن اختیار آن

دلایلی آورده اند که عایشه مالک ائمه پیامبر است مثل اینکه می گویند: «عایشه به خدا سوگند خورده که پیامبر در زمان زندگی اش آن را به او بخشیده است». یا اینکه عایشه گفته است: «به خدا سوگند که خانه من است، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در زمان حیاتش آن را به من داده است. عمر هم با اینکه خلیفه بود، بی اجازه من در آن خاک نشد ولی ما از علی خیری ندیدیم! (که بگذاریم پسرش آنجا دفن شود)».<sup>(1)</sup>

در تاریخ یعقوبی آمده<sup>(2)</sup>: خانه من است، نمی گذارم کسی در آن دفن شود.

و برخی می گویند: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در ائمه عایشه دفن شده؛ درست است که این ائمه پیامبر بوده، ولی عایشه سهمی در آن

ص: 48

---

1-- تاریخ دمشق، ج 13، ص 293.

2-- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 225.

داشته چون آن را از او به ارث برده است.

درباره این ادعا می‌گوییم:

اولاً: اگر کسی می‌تواند از پیامبر ارث ببرد، چرا نگذاشتند حضرت زهرا (علیها السلام) از پدرش ارثی ببرد؟! ابوبکر ادعا کرد که از پیامبران هرگز چیزی به ارث برده نمی‌شود و این سخن را هم عمر و هم عایشه تأیید کردند.

ثانیاً: با این فرض هم که عایشه بخشی از خانه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را به ارث برده، باید گفت یک نهم از یک هشتم میراث پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سهم او بوده است، چرا که او یکی از نه همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده و زنان او با هم، یک هشتم از ارثش را می‌بردند، پس چرا برای دفن کردن امام حسن (علیه السلام) در آنجا از عایشه باید اجازه می‌گرفتند، و نه از دیگران؟!!

و اگر آرامگاه پیامبر به ارث رسیده باشد، سهم حضرت فاطمه (علیها السلام) در این میان باید از سهم آنان بیشتر باشد؛ پس چرا نگذاشتند پسرش امام حسن (علیه السلام) در سهم او دفن شود؟

ثالثاً: اگر عایشه از سوی خلیفه متولی آن بوده است، و اگر بتوان پذیرفت که ابوبکر به نام رئیس حکومت اختیار آنجا را به عایشه داده، با مرگ ابوبکر باید مدت این اختیار هم به سر می‌آمد،

پس چرا نه عمر، نه عثمان و نه معاویه، هیچ یک این اختیار را دوباره به عایشه ندادند؟

رابعاً: ادعای عایشه در قرن دوم ناشناخته است.

قطب راوندی در کتاب خرائج از مناظره ای سخن می گوید که بین ابوحنیفه - امام مذهب حنفی - و فضال پسر حسن ابن فضال پیش آمده است.

فضال - که از شاگردان امام صادق (علیه السلام) بود - از ابوحنیفه پرسید: این سخن خداوند منسوخ هست یا نیست؟ «ای ایمان آورندگان! درون خانه های پیامبر نروید، مگر اینکه به شما اجازه دهد».

ابوحنیفه گفت: این آیه منسوخ نیست.

پرسید: درباره بهترین فرد پس از پیامبر چه می گویی؟ ابوبکر، عمر یا علی پسر ابوطالب؟

گفت: آن دو نفر همراهان حضرت رسول در قبرش هستند. برای برتری شان چه دلیلی از این روشن تر می خواهی؟!

فضال به او گفت: اگر سفارش کرده اند جایی دفنشان کنند که حقی در آن ندارند، راستی که ستم کرده اند! اگر هم آنجا برای آنها بوده و آن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بخشیده اند، بد کرده اند که از بخشش خود برگشته اند و پیمانشان را شکسته اند. تو هم که اعتراف کردی آیه ای که می گویی «درون خانه های پیامبر نروید، مگر به شما



اجازه دهند»، منسوخ نیست. ابوحنیفه سر را پایین انداخت. سپس گفت: «آنجا تنها برای او یا آن دو نفر نبوده است. آنها از سهم عایشه و حفصه بهره مند شده اند و به خاطر حق دخترانشان بوده که سزاوار دفن در آنجا شده اند».

فضال به او گفت: تو می دانی که پیامبر هنگام درگذشتش نه همسر داشت و چون فرزندی - یعنی فاطمه (علیها السلام) - را داشت، یک هشتم از آنجا به آنها می رسد، پس می بینیم که به هر کدام [یعنی عایشه و حفصه] یک نهم از یک هشتم از آن مکان به ارث می رسیده است و می بینیم که یک نهم از یک هشتم اتاق می شود یک وجب در یک وجب از آن! چون طول و عرض آن اتاق این اندازه است، پس چگونه آن دو نفر سزاوار چیزی بیش از این شده اند؟!

از این گذشته، چرا عایشه و حفصه از پیامبر ارث برده اند، ولی از ارث بردن دخترش جلوگیری شده است؟ این گونه که پیداست، تناقض های بسیاری در این باره است.

ابوحنیفه گفت: «او را از من دور کنید ای مردم که او به خدا یک رافضی پلید است».<sup>(1)</sup>

و نکته در خور توجه این است که این حدیث نشان می دهد

ص: 51

---

1- - کتاب خرائج، ج 1، ص 245.

دست کم تا زمان ابوحنیفه هنوز این ادعا که عایشه از آغاز کار، مالک اتاق پیامبر بوده، نزد اهل سنت مطرح نبوده است.

## فتنه جمل

هنگامی که عثمان به قتل رسید، طلحه و زبیر نزد امیرالمؤمنین آمدند و خواستند با ایشان بیعت کنند ولی امیرالمؤمنین قبول نکردند و ایشان درباره این موضوع چنین می فرمایند:

«نزد من آمدند و گفتند: با ما بیعت کن، من گفتم: نمی کنم. گفتند: چرا (باید بکنی) من گفتم: نه و دستم را بستم، شما آن را باز کردید، من باز کشیدم، شما به سوی خود کشیدید، و چنان بر سر من (برای بیعت کردن) ریختید مانند شتران بسیار تشنه ای که به گودال های آب رسند بدان سان که من گمان کردم کشته من هستید و همدیگر را خواهید کشت، پس من دست خود را باز کردم و شما از روی اختیار (و با کمال آزادی) با من بیعت کردید»<sup>(1)</sup>.

و بعد از این جریان، بلافاصله اجازه رفتن به مکه و به جا آورده عمره را گرفتند، (ولی خدا می داند که اینها قصد عمره را نداشتند و اراده پیمان شکنی داشتند) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) دوباره از آنها پیمان گرفتند که فتنه درست نکنند و برای امت موجبات

ص: 52

نابودی و بلا پدید نیاورند. ولی آنها اعتنایی نکرده و به سوی مکه رهسپار شدند تا عایشه را بر آن حضرت بشورانند(1) و به مخالفت با آن حضرت او را همراه خود سازند و بعد همراه عایشه به طرف بصره حرکت کردند و شعارشان خون خواهی عثمان بود؛ در صورتی که خدای تعالی ازواج نبی را از بیرون آمدن از خانه های خود منع کرده بود: (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى). (2) ولی او که ناموس رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود، وارد لشکری شد که تقریباً شانزده هزار نفر متشکل از اراذل و اوباش بود و عایشه باعث قتل هزاران نفر از مسلمین و جمع کثیری از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شد و به خیال اینکه می خواهد قصاص خون عثمان کند، به پا خواست در صورتی که حکم قصاص کار خلیفه عادل است و نه کار زنان؛ و اگر سفر عایشه مانند حج و عمره بود، جایز بلکه مستحسن می بود و اجلاسی صحابه و ازواج رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بر او انکار نمی کردند و انکار نمودن اجلاسی صحابه و ازواج، این سفر عایشه را به روایت ثقات خودشان ثابت و متحقق است.

وقتی که عایشه برای طلب یاری نزد همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رفت، هیچ یک از زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حاضر نشدند با او خارج شوند غیر از

ص: 53

---

1-- همان، ص 345.

2-- سوره احزاب، آیه 33.

حفصه که اعلام آمادگی کرد ولی برادرش عبدالله او را از همراهی کردن عایشه منصرف ساخت!<sup>(1)</sup>

و وقتی که عایشه برای طلب یاری از ام سلمه نزد او آمد، ام سلمه این گونه به او جواب داد: «ای عایشه! تا دیروز مردم را علیه عثمان می شوراندی و در حق او بدترین گفته ها را می گفتی و تو ای عایشه بهتر از هر کسی منزلت و جایگاه علی (علیه السلام) را نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می دانی.»<sup>(2)</sup>

ام سلمه سپس این همسر باوفای پیامبر، برای اینکه به امام زمان خود کمک کرده باشد و ولایت مداری خود را ثابت کند، نامه ای به امیرالمؤمنین می نویسد و ایشان را از اغراض شوم عایشه، طلحه و زبیر مطلع می نماید.

### اولین زن تروریست در اسلام

دستور عایشه به کشتن عثمان بن عفان<sup>(3)</sup>؛

دستور عایشه به کشتن صحابی جلیل القدر، عثمان بن حنیف انصاری<sup>(4)</sup>؛

ص: 54

---

1- تاریخ ابن عساکر، ج 9، ص 78.

2- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 78.

3- الفتوح، ابن اعثم کوفی، ج 1، ص 421.

4- تاریخ طبری، ج 4، ص 477.

البته به دلیل ترس از خشم انصار از این کار صرف نظر کرد، ولی دستور داد (به بدترین وجهی یعنی کندن تمام موهای سر و صورت و محاسنش) او را شکنجه کنند.

دستور به سر بریدن سبأیحة؛

آنها گروهی از شیعیان و موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودند. آنها محافظت از بیت المال شهر بصره را به عهده داشتند و در جریان جنگ جمل به دستور عایشه به قتل رسیدند و در کتب بسیاری به آن اشاره شده است از جمله، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (1) و تاریخ طبری (2) و مروج الذهب (3).

دستور قتل زاهد متقی حلیم بن جبلة؛

پس از دستگیری عثمان بن حنیف علیه الرحمة وسبأیحة، صحابی جلیل القدر حکیم بن جبلة عبدی با فراهم آوردن سپاهی هفتصد نفره به دفاع از بصره و تمامیت ارضی حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداخت. در درگیری که بعدها به نام جمل اصغر نامیده شد، او، سه برادر و همراهانش در حال دفاع از شهر، با لشکر عایشه درگیر شدند، در حالی که عایشه بر شتری عظیم الجثه

ص: 55

---

1- شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 321.

2- تاریخ طبری، ج 3، ص 485.

3- مروج الذهب، ج 2، ص 377.

سوار بود و سپاهیانش را فرماندهی می کرد، به دستور او این شخص شجاع و باایمان را مظلومانه به شهادت رساندند. (1)

خلاصه کلام اینکه بین هفتصد تا هزار نفر از موالیان و مسلمانان مؤمن وقتی که تنها گناه آنها دفاع از شهر و خانمان خود بود و افتخار آنها پیروی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود، به دست لشکر جنایتکار عایشه و به دستور مستقیم او با بدترین وضع به شهادت رسیدند، کدام یک از آنها در قتل عثمان دست داشتند؟ قاتلین عثمان در مدینه کجا و شیعیان مولی الموحدین در بصره کجا؟ با چه استدلالی عایشه به طرف آنها لشکرکشی کرد و آنها را به چه گناهی به شهادت رساند و خانواده های شان را بی سرپرست کرد؟

درباره تعداد کشته های جنگ جمل روایات مختلفی وجود دارد از جمله:

در روز جنگ جمل، هفت هزار نفر کشته شده اند. (2)

در اطراف شتر عایشه حدود ده هزار نفر کشته شده اند که نصف این تعداد از لشکر عایشه و نیمی دیگر از سپاه علی (علیه السلام) بود. (3)

ص: 56

---

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 9، ص 322.

2- تاریخ خلیفه، ابن خیاط، ص 140.

3- تاریخ طبری، ج 3، ص 542.

از قتاده و ابن حاتم روایت شده که کشتگان جمل بیست هزار نفر بوده اند. (1)

از عایشه بیست هزار نفر و از سپاه علی (علیه السلام) پانصد نفر کشته شده اند. (2)

قبایلی که در دفاع از شتر عایشه به هلاکت رسیدند:

کعب بن سور ازدی و همراهانش که در دفاع از عسکر (نام شتری که عایشه بر آن سوار بود) نود و هشت دست از آنها قطع شد. (3)

هفتاد نفر از قریش که افسار شتر را در دست داشتند، همگی کشته شدند و کسی افسار شتر را به دست نگرفت مگر آنکه یا دستش قطع شد و یا خورش به زمین ریخته شد. (4)

قبیله بنی ناجیه که عایشه دائماً آنها را به جنگ تشویق می کرد و آنها را مورد خطاب قرار می داد و می گفت: من در چهره های شما شمایل قریش و ابطح را می بینم. تمامی افراد این قبیله که در این نبرد شرکت داشتند، به هلاکت رسیدند. (5)

ص: 57

---

1- تاریخ خلیفه، ابن خیاط، ص 139.

2- العقد الفرید، ابن عبد ربه، ج 2، ص 106.

3- الفتوح، ابن اعثم، ج 2، ص 479.

4- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 265.

5- همان.

قبیله بنی صبه که از آنها بالغ بر هزار نفر هلاک شد. (1)

قبیله بنی عدی که از آنها حدود نود نفر به هلاکت رسیدند. (2)

### سرنوشت شتر عایشه

پس از کشته شدن عسکر (نام شتری که عایشه در جنگ جمل بر آن سوار بود)، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دستور داد آن را سوزانند و خاکسترش را بر باد دادند. سپس فرمود:

خداوند آن را لعنت کند که چقدر به گوساله قوم بنی اسرائیل شباهت داشت و این آیه را تلاوت فرمود:

(وَأَنْظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا). (3)

و در جای دیگر حضرت می فرماید:

«تركوا هارون وعبدوا العجل، عَجَلًا جَسَدًا خُورًا وَتَرَكَوْا عَلِيًّا وَعَبَدُوا بَنِي أُمِّيَّةٍ»؛ (4) بنی اسرائیل (در نبوت حضرت موسی (علیه السلام)) حضرت هارون پیامبر را ترک کردند و گوساله را عبادت کردند (مراد همان متابعت از عایشه در جنگ جمل بود) و مسلمانان،

ص: 58

---

1- تاریخ طبرسی، ج 3، ص 542.

2- الفتوح، ابن اعثم، ج 2، ص 542.

3- سوره طه، آیه 97.

4- مناقب آل ابی طالب، ص 35؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 85.



علی (علیه السلام) را ترک کرده و بنی امیه را عبادت کردند.

خوب دقت کنید؛ حضرت در مقام بیان و تشبیه نمودن خودشان به حضرت هارون برادر حضرت موسی و تشبیه بنی امیه به گوساله پرستان زمان آن حضرت می باشد.

و همین طور ابلیس برای معرفی خودش می گوید:

«أنا صانع العجل لبني إسرائيل، أنا صاحب الهودج يوم البصرة والبعير»؛<sup>(1)</sup> من همانم که گوساله پرستی را در بنی اسرائیل به راه انداختم. من صاحب آن هودج (که عایشه بر آن سوار شد و به جنگ با علی پرداخت) در روز بصره (جنگ جمل) و صاحب آن شتر بودم.

و همین طور عیاشی در تفسیر خود از ابوبصیر نقل می کند<sup>(2)</sup>: «... ایشان را به جهنم می کشاند آن جهنمی که دارای هفت در است» تا اینجا که فرمود: «و از ششمین درب جهنم، عسکر بن هوسر (هوسر) داخل می شوند، که مراد همان شتر عایشه و لشکریانش (در حدود 25 هزار نفر بودند) در جنگ جمل است.

ص: 59

---

1- - مدینه المعاجز، ج 1، ص 126؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 82.

2- - نفس الرحمن، ص 249؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 243.

## پیش بینی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

رافعی، غلام عایشه می گوید: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نزد عایشه بود، صدای در بلند شد. در را باز کردم، دیدم کنیزی ظرف غذایی آورده در حالی که روی آن را پوشانده است. آن را به عایشه دادم و او نیز آن را نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) قرار داد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دست خود را به طرف ظرف برد که از آن طعام چیزی بردارد. سپس فرمود: ای کاش امیرالمؤمنین و سیدالمسلمین می رسید و با من از این غذا تناول می کرد.

عایشه پرسید: چه کسی امیرالمؤمنین است؟! پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سکوت کرد اما عایشه دوباره سؤال نمود و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باز هم ساکت بودند تا اینکه صدای دق الباب آمد. من رفتم که در را باز کنم، دیدم علی بن ابیطالب (علیه السلام) است. بازگشتم و به پیامبر اطلاع دادم. حضرت فرمود: او را به داخل راهنمایی کن. چون داخل شد، فرمود: «مرحباً وأهلاً»؛ آرزو کردم خدا تو را برساند، بنشین و میل کن. پس او نشست و تناول کرد. سپس رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: خدا قاتل تو و دشمن تو را لعنت کند. سکوت کرد و بار دیگر چنین فرمود. عایشه گفت: چه کسی با او مقاتله می کند؟ و چه کسی با او دشمنی خواهد کرد؟ آن گاه رسول خدا فرمود: تو و هر که با تو

و در جای دیگر از عایشه نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: دو مرتبه در خواب دیدم شتری که بر روی آن زنی سوار و در میان حجایی از حریر و ابریشم بود. به من (رسول) گفتند: این همسر توست، حجاب را کنار بزن! حجاب را کنار زدم تو (عایشه) را در آن کجاوه دیدم. (2)

### سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) با عایشه، پس از شکستش

امام رو به عایشه کرد و در حالی که او را توبیخ و سرزنش می کرد، فرمود: «خداوند تو را دستور داد که در خانه بمانی و با حجاب، خود را بپوشانی و ماجراجویی نکنی. اما تو نافرمانی کردی و خون های زیادی به زمین ریختی، در حالی که با ظلم و ستمگری با من می جنگی و مردم را علیه من می شورانی...» (3).

امام (علیه السلام) به اتفاق عمار یاسر و محمدبن ابوبکر در حالی که محمل عایشه مانند خارپشت پر از تیر شده بود، به نزد او رفت و با عصای خود بر محمل زد و فرمود: «ای حمیراء! آیا می خواستی مرا بکشی، همان گونه که پسر عفان (عثمان) را کشتی؟! آیا خدا

ص: 61

---

1-- الکافئه، شیخ مفید، ص 34.

2-- بحار الأنوار، ج 32، ص 777؛ الکافئه، ص 36.

3-- الفتوح، ابن اعثم، ج 2، ص 484.

این گونه به تو دستور داده بود یا اینکه رسول خدا بر این کار از تو عهد و پیمان گرفته بود؟!» عایشه پاسخ داد: «تو پیروز شدی، پس از من بگذر!» (1).

در روایت طبری آمده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او فرمود: از مردم خواستی خونریزی کنند و آنها چنین کردند! آنها را به کشتن همدیگر ترغیب کردی آنها نیز چنین کردند! و سخنان زیادی بین آنها رد و بدل شد تا اینکه عایشه گفت: ای پسر ابوطالب تو پیروز شدی پس از من بگذر! (2).

در اینجا مهم اعلام تنفر عایشه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

در جنگ جمل عایشه چون شکست خود را نزدیک دید، برای قتل امیرالمؤمنین (علیه السلام) جایزه مقرر کرد به طوری که آب از دهان لشکریانش جاری ساخت.

او دست خود را از هودج خود بیرون آورد و بدره ای (3) از دینارهای طلا به سپاهیانش نشان داد و با صدای بلند اعلام کرد: چه کسی سر آن شخص اصلع (در استفاده زیاد از کلاه خود در

ص: 62

---

1- - امالی، شیخ مفید، ص 24.

2- - تاریخ طبری، ج 3، ص 520.

3- - کیسه پولی که در آن هزار دینار باشد را بدره گویند. (لسان العرب، ابن منظور، در ماده بدر).

جنگ های زیادی که در رکاب پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داشتند، موی جلوی سر ایشان کم شده بود) را برای من می آورد تا این برده زر را به او بدهم؟!... (1)

با توجه به اینکه قیمت یک گوسفند حدود یک دینار بوده، می توان به مبلغ پیشنهادی عایشه برای آوردن سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) پی برد.

### سخن امام صادق (علیه السلام) راجع به وقایع پس از جمل

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

جرم عایشه بزرگ است. گناه او عظیم است. کمترین خون ناحقی از کسی به زمین ریخته نشده جز اینکه گناه آن بر گردن او و دو همراهش (طلحه و زبیر) می باشد. (2)

ابن شهر آشوب از حضرت صادق (علیه السلام) چنین نقل می کند: کسانی که با علی (علیه السلام) جنگیدند، جرمشان بزرگ تر و اعظم از کسانی بود که در صدر اسلام با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مبارزه کردند.

«إِنَّهُمْ أَعْظَمُ جُرْمًا مِمَّنْ حَارَبَ رَسُولَ اللَّهِ. قِيلَ لَهُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا بِنِ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: أَوْلَئِكَ كَانُوا أَهْلَ جَاهِلِيَّةٍ وَهُؤُلَاءِ قَرَأُوا الْقُرْآنَ

ص: 63

---

1- سيرة الأئمة، هاشم معرف حسنی، ج 1، ص 456.

2- دلائل الإمامة، طبری امامی، ص 206.

و عرفوا أهل الفضل، فأتوا ما أتوا بعد البصيرة»<sup>(1)</sup>.

سپس حضرت دلیل سنگین بودن این جرم را این گونه بیان می کند: ... زیرا اینان قرآن را قرائت کردند و اهل فضل که در قرآن معرفی شده بود را شناختند، ولی بعد از آگاهی و بصیرت (اتمام حجت) به جنگ و نبرد با ایشان پرداختند.

پس از اتمام جنگ جمل، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دلیل حفظ امنیت، شیعیان را از کشتن و دشنام دادن به بقایای سپاه جمل نهی فرمود، چون می دانست که شیعیانش به زودی در اقلیت قرار خواهند گرفت ولی حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چون قیام کند، با شمشیر بین دشمنان حکم خواهد کرد و از دشنام آنها فروگذار نخواهد فرمود، چون می داند که شیعیانش به هیچ وجه دیگر در اقلیت نخواهند بود.<sup>(2)</sup>

### فرموده امام باقر (علیه السلام) راجع به اهل جمل

امام باقر (علیه السلام) از قول امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «اهل جمل ملعونند، شخصی به ایشان عرض کرد ای امیرمؤمنان! به جز کسانی که در بین آنها مؤمن بودند؟ امام (علیه السلام) فرمود: وای بر تو حتی یک نفر از آنها مؤمن نبود!»<sup>(3)</sup>.

ص: 64

1- - مستدرک الوسائل، ج 11، ص 61.

2- - تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 6، ص 154.

3- - بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 32، ص 326.

## دشمنی عایشه با حضرت فاطمه و امام حسن (علیها السلام)

با اینکه عایشه بارها شنیده بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در حق فاطمه (علیها السلام) فرموده: «یغضب لغضبها ویرضی لرضاها»؛ خداوند از ناراحتی فاطمه ناراحت و از خشنودی او خشنود می شود، ولی با این وجود، از مرگ فاطمه مسرور می شود و در غیاب پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) جملاتی به فاطمه (علیها السلام) می گوید که دل فاطمه را به درد می آورد و اشک فاطمه را جاری می سازد.

مانند این روایت که روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد منزل می شود و می بیند که عایشه با بی حیایی تمام، بر سر فاطمه دخترشان فریاد می کشد و به فاطمه (علیها السلام) می گوید: به خدا قسم ای دختر خدیجه! تو تصور می کنی که مادرت بر ما برتری داشت، او بر ما چه برتری داشت؟! خدیجه مانند دیگر زنان پیامبر بود. حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) همه حرف های عایشه را شنید، اما عایشه مطلع نبود، فاطمه (علیها السلام) همین که پدرشان را دیدند، اشکشان جاری شد و گریه کردند. سپس آن حضرت نزد فاطمه آمدند و فرمودند: فاطمه چرا گریه می کنی؟

فاطمه (علیها السلام) فرمود: این زن یادی از مادرم خدیجه کرد و مقام او را کوچک شمرد. آنگاه حضرت با ناراحتی نگاهی به عایشه

انداختند و فرمودند: ساکت شو ای حمیراء(1)! همانا خداوند متعال در وجود خدیجه برکت قرار داد.(2)

زمانی که حضرت زهرا وفات نمود (به شهادت رسید)، همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای ابراز تعزیت در مجلس بنی هاشم حضور به هم رساندند ولی عایشه بیماری خود را بهانه کرد و در آن مجلس حاضر نشد، نزد علی (علیه السلام) از او خبری نقل شد که دلالت بر خوشحالی عایشه داشته است.(3)

و زمانی که امام حسن (علیه السلام) به شهادت رسید، خواستند او را در خانه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) دفن کنند، عایشه اجازه نداد و سوار بر قاطر شد و عده ای را به طرفداری خودش جمع کرد.

ابن عباس به او گفت: مثل این است که می خواهی همان طور که روز جمل را در تاریخ ثبت کردی، روز قاطر را نیز به ثبت برسانی!؟

عایشه گفت: خدا تو را رحمت کند، آن روز فراموش شده است.

ابن عباس گفت: در روزگار به یادماندنی تر از آن نخواهد بود!(4)

ص: 66

---

1- - به خاطر این به او حمیراء می گفتند که دائماً در حال خون دیدن بود.

2- - بحار الأنوار، ج 16، ص 3.

3- - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 9، ص 198.

4- - تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 225.



عایشه در زمان دفن سبط اکبر، امام حسن (علیه السلام) خطاب به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت: آیا کسی را می خواهید به منزل من بیاورید که من علاقه ای به او ندارم؟! (1)

و بعد جنازه امام مجتبی (علیه السلام) را تیرباران کردند به انداز ای که هفتاد تیر به آن بدن شریف اصابت کرده بود. (2)

و در جای دیگر آورده اند که عایشه تیر و کمان را از دست مروان گرفت و خود ابتدا به طرف جسد مطهر امام حسن (علیه السلام) تیر پرتاب کرد و پس از آن سپاه شام به متابعت از او تیراندازی کردند. (3)

آیا عایشه نشنیده بود قول پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را که فرموده بودند: «خدایا من حسن را دوست دارم و دوست دارم کسی که حسن را دوست بدارد؟» (4)

و قول دیگر ایشان که فرمودند:

«کسی که دوست دارد به سرور جوانان اهل بهشت نگاه کند، به حسن نگاه کند». (5)

ص: 67

---

1- - دلائل الإمامية، طبری امامی، ص 163.

2- - المناقب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 204.

3- - اسرار الإمامة، عمادالدین حسن بن علی طبرسی.

4- - کنز العمال، ج 13، ص 652.

5- - صحیح بخاری، ج 2، ص 72.

## خبر شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عکس العمل عایشه

زمانی که خبر شهادت مولی الموحدين علی (علیه السلام) به عایشه رسید، او به خاک افتاد و سجده شکر به جای آورد. (1)

عایشه طی سخنانی که ایراد کرد، گفت: «حال، عرب ها هر کاری که می خواهند بکنند چون دیگر کسی نیست که مانع آنها شود». (2)

مسروق گوید: بر عایشه وارد شدم و نزد او نشستم، مشغول صحبت شد و غلام سیاه پوست خود را صدا زد در حالی که او را عبدالرحمن خطاب کرد. سپس گفت: ای مسروق! می دانی چرا او را عبدالرحمن می نامم؟ گفتم: نه؛ پاسخ داد: به دلیل محبت و علاقه ام به ابن ملجم مرادی قاتل علی بن ابی طالب! (3)

## القاب عایشه ملعونه در آیات و روایت

1- ابنت الأول

2- ابنت أم رومان

3- أعظم الناس جرماً

4- أم الشرور

5- أم عبدالله

6- امرأة

ص: 68

---

1- - مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ص 27.

2- - الإستيعاب، ابن عبدالبر، ج 1، ص 347.

3- - الجعل، شیخ مفید، ص 84.

7- باحية

8- البغاة

9- الحمراء

10- الحميراء

11- الخاطنة

12- رأس الكفر

13- الراكبة الجمل

14- الزعراء

15- السانقة

16- شايعة

17- شعيرا

18- شقيراء

19- الكفر

20- صفورا

21- طيشه

22- عدوة الله

23- عسكر

24- عسكر بن هوسر

25- العنكبوت

26- عويش

27- الفاجرة

28- الفاحشة

29- قرن الشيطان

30- الفاحشة الميينة

31- فلانه

32- كذابون على رسول الله

33- صاحب العمل الأحدث

34- اللات

35- المتظاهرتان

36- ملعون

37- ناحية

38- نباة

39- عجوزة

40- نكثت ايمانها

ص: 69

## لعن عایشه در آیات قرآن کریم

سوره احزاب، آیه 57:

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا).

خداوند کسانی که رسول خدا را اذیت کنند، لعنت کرده است. عایشه با کارهایش مثل تعقیب کردن پیامبر در شب ها و غیبت کردن پشت سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، پیامبر را اذیت می کرد.

سوره نساء، آیه 93:

(وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا).

خداوند کسی که مؤمنی را بکشد، لعن کرده است. عایشه در جنگ جمل بیش از بیست هزار نفر را به کشتن داد.

سوره مائده، آیه 60:

(قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاء السَّبِيلِ).

خداوند کسی را که بندگی شیطان را بکند، لعن کرده است.

ابلیس برای معرفی خودش می گوید من همانم که گوساله پرستی را در بنی اسرائیل به راه انداختم. من صاحب آن

ص: 70

هودج هستم «که عایشه بر آن سوار شد و به جنگ با علی پرداخت» در روز بصره «جنگ جمل» و صاحب آن شتر بودم. (1)

سوره مائده، آیه 78:

(لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ).

کسی که فرمان خدا را سرپیچی کند، مورد لعن خداوند قرار می گیرد. طبق نص سوره احزاب، آیه 33، خداوند به زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می گوید: در خانه هایتان بنشینید و خارج نشوید و عایشه این کار را نکرد و خود را آرایش کرد و در کوچه ها و شهرها می چرخید. (2)

سوره نور، آیه 23:

(إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ).

کسی که به زن عقیفه تهمت بزند، خدا او را لعن کرده است. عایشه به ماریه قبطیه همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) تهمت زنا زد و خداوند آیه پاکی را برای ماریه نازل کرد. (3)

ص: 71

---

1- - مدینه المعاجز، ج 1، ص 126؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 82.

2- - عایشه ام المؤمنین، ص 6.

3- - تفسیر قمی، ج 2، ص 99.

و همين طور:

در سوره اعراف، آیه 44:

(فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ).

سوره هود، آیه 18:

(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ).

سوره غافر، آیه 52:

(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).

خداوند ستمکاران را لعن کرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ای حمیراء! توباً علی به نبرد برخواستی و تو ظالم هستی. (1)

و در سوره احزاب، آیه 64:

(إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا).

سوره بقره، آیات 89:

(فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الكَافِرِينَ).

و 161:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ).

سوره آل عمران، آیات 61:

ص: 72

(فَتَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ).

و 87:

(أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ).

خداوند کافران را لعن نموده است.

عایشه به پیامبر چنین گفت: تو همان کسی هستی که ادعای نبوت می کنی؟ سپس غزالی می گوید: بعد از آن هیچ کس از مورخین ننوشته اند که عایشه به نبوت پیامبر یقین پیدا کرد. (1)

سوره توبه، آیه 68:

(وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ).

سوره محمد، آیه 23:

(أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ).

سوره احزاب، آیه 61:

(مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أُخْذُوا وَقُتِلُوا نَقْتِيلًا).

خداوند منافقان را لعن کرده است، عایشه و حفصه هر خبری که در منزل رسول خدا می شد، برای پدرانشان می بردند و در

ص: 73



جریان این افشاگری ها سوره تحریم بر پیامبر نازل شد. (1)

سوره مائده، آیه 13:

(فِيمَا نَقُضُوا مِنْهُمَا لِعَنَاهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).

سوره رعد، آیه 25:

(وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).

خداوند عهدشکنان را لعن نموده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) قبل از ازدواج با زنان به آنها می گفت و عهد می بست که بعد از فوت من حق ندارید با کسی دیگر ازدواج کنید ولی عایشه با طلحه ازدواج کرد. (2)

### عاقبت عایشه

در شب 17 ماه رمضان در سال 58 هجری در مدینه دختر ابوبکر به دست معاویه کشته شد و به سزای اعمالش رسید. دو قول دیگر در این باره 29 رجب و آخر ذی الحجه است.

ص: 74

1- - تفسیر قمی، ج 2، ص 376؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 239.

2- - تفسیر قمی، ج 2، ص 375.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دوست داشت تا زنده بود مرگ و دفن عایشه را ببیند.

روزی عایشه از درد سر خود نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شکایت کرد. پیامبر به او فرمود: اگر مشکلت ادامه پیدا کرد و من زنده بودم، برای تو استغفار کرده و برایت دعا می کنم. عایشه گفت: وای بر من! من می دانم که مرگ من برای تو دوست داشتنی است و اگر چنین اتفاقی بیفتد در پایان آن روز عروسی تو با یکی از همسرانت خواهد بود. در این جا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: از دست تو من سرم به درد آمد. (1)

این حدیث صحیح پیش عامه نه تنها احادیثی که بر محبت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت به عایشه دلالت دارد را تکذیب می کند بلکه این پیام را دارد که پیامبر از مرگ او شاد و خوشحال نیز می شدند.

عایشه می گوید: روزی پیامبر پس از دفن یکی از مسلمانان در بقیع به منزل بازگشت. من نیز در سر خود دردی احساس می کردم. از آن درد نزد پیامبر شکایت کردم. آن حضرت فرمود: ای عایشه! من سرم درد می کند و چقدر خوب می شد اگر تو قبل از من می مردی، پس من تو را غسل می دادم و کفن می کردم، بر

ص: 75

تو نماز خوانده و سپس تو را دفن می نمودم. به او گفتم: مانند ایناست که می بینم اگر تو چنین کنی، پس از بازگشت به غرفه من در همان روز با یکی از همسرانت ازدواج می کردی، پس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) لبخندی زد. (1)

ابن ابی الحدید می گوید: اگر خلیفه دوم به جای علی (علیه السلام) بود، هر آینه عایشه را قطعه قطعه می کرد ولی علی (علیه السلام) حکیمی بردبار بود. (2)

معاویه چون خواست برای پسرش یزید از مردم بیعت بگیرد، عایشه انکار آن کرد و معاویه را تهدید کرد و گفت: برادرم محمد را کشتی و برای یزید بیعت می گیری؟ معاویه ترسید که مبادا او ایجاد فتنه کند، لذا در خانه خود چاهی کند و آن را پر از آهک کرد و فرشی قیمتی بر روی آن پهن نمود و تختی بر آن نهاد و عایشه را وقت نماز عشا به خانه خود خواند. وقتی عایشه وارد شد، معاویه او را به نشستن بر آن تخت تعارف کرد، همین که روی آن نشست، فرورفت و به چاه افتاد و هلاک شد، معاویه در چاه، چند نیزه مسموم تعبیه کرده بود و هنگامی که عایشه در چاه افتاد، فوراً کار او ساخته شد. (3)

ص: 76

---

1- - مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 228.

2- - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 17، ص 254؛ بحار الأنوار، ج 33، ص 93.

3- - کامل بهایی، ج 2، ص 270؛ الصراط المستقیم، ج 3، ص 45.

## فهرست منابع

1. القرآن الكريم.
2. الإرشاد، شيخ مفيد.
3. الإيضاح، شيخ مفيد.
4. الإحتجاج، شيخ طوسی.
5. الأدب المفرد، بخاری.
6. البداية والنهاية، ابن كثير.
7. المنتق، ابن الجارود.
8. الجمل، شيخ مفيد.
9. روض الأنف، سهيلي.
10. الكافئة، شيخ مفيد.
11. إثبات الوصية، مسعودی.
12. الصراط المستقيم، علامه البياضی.
13. المعجری من الأسناب.
14. المصنف، ابن أبي شيبة.
15. الفتوح، ابن اعثم كوفی.
16. العقد الفريد، ابن عبد ربه.

17. امالى، شيخ مفيد.
18. اسرار الإمامة، عبادالدين حسن بن على طبرسى.
19. الإستيعاب، ابن عبدالبر.
20. اصول الكافى، محمد بن يعقوب الكلينى.
21. الإقتضاء، ابن تيميه.
22. المعارف، ابن قتيبه.
23. اسدالغابة فى معرفة الصحابة، ابن اثير.
24. الإصابة، ابن حجر عسقلانى.
25. المناقب، ابن شهر آشوب.
26. بحار الأنوار، علامه مجلسى.
27. بدائع الصانع، ابوبكر الكاشانى حنفى.
28. تفسير آلوسى.
29. تفسير رازى.
30. تفسير نورالثقلين.
31. تفسير عياشى.
32. تفسير قرطبى.
33. تفسير قمى.
34. تفسير ابن كثير.
35. تهذيب الأحكام، شيخ طوسى.
36. تاريخ يعقوبى.

37. تاريخ خليفه ابن خياط.
38. تاريخ طبرى.
39. تاريخ دمشق، ابن عساکر.
40. تاريخ طبرى.
41. خصال، شيخ طوسى.
42. الخرائج والجرائح، قطب راوندى.
43. دلائل الإمامة، طبرى امامى.
44. سيرة الأئمة، هاشم معرف حسنى.
45. سيره ابن هشام.
46. شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد.
47. صحيح بخارى.
48. صحيح مسلم.
49. طبقات الكبرى، ابن سعد.
50. عايشه أم المؤمنين.
51. فضائل الصحابة، احمد بن حنبل.
52. فتح البارى، ابن حجر عسقلانى.
53. قرب الموارد.
54. كامل، بهايى.
55. كنز العمال، متقى هندی.
56. كنز الكمال.

57. مسند، احمد بن حنبل.
58. مشكل الآثار، طحاوى.
59. مستدرک، حاكم نيشابورى.
60. مجمع البيان، طبرسى.
61. مناقب آل ابى طالب، ابن شهر آشوب.
62. معجم ما استعجم، اندلسى.
63. مستدرک الوسائل، نورى.
64. مروج الذهب، مسعودى.
65. مدينة المعاجز، سيد هاشم بحراني.
66. مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني.
67. محاضرات الادباء، راغب.
68. منهاج الكرامة، علامه حلى.
69. نثر الدر آبي.
70. نوادر اصول فى احاديث الرسول، ترمذى.
71. نفس الرحمان، نورى.

## «فهرست مطالب»

مقدمه... 5

پاسخ به چند سؤال... 7

خانندان عایشه... 14

قبیله... 14

رئیس قبیله تیم... 14

پدر بزرگ عایشه... 15

مادر بزرگ عایشه... 16

پدر عایشه... 16

مادر عایشه... 18

برادر عایشه... 19

خواهران عایشه... 20

حسادت عایشه... 20

عایشه یکی از سه دروغ گو... 23

خرافه ازدواج پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم) با دختر بچه ای خردسال... 23

فساد در دین توسط عایشه... 28

ادب کردن کودک یتیم توسط عایشه... 29

رابطه عایشه با حیوانات... 30

نسبت دادن رذائل اخلاقی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط عایشه... 30

طلاق عایشه... 31

بی حرمتی و بی ادبی عایشه و حفصه به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)... 36



عایشه بیوه ای که به عقد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درآمد... 38

ص: 81

- قتل پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط عایشه... 40
- شبهه ای در مورد مسموم شدن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)... 43
- پس از شهادت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)... 44
- ادعای عایشه درباره به ارث بردن اتاق پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و یا داشتن اختیار آن... 48
- فتنه جمل... 52
- اولین زن تروریست در اسلام... 54
- سرنوشت شتر عایشه... 58
- پیش بینی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)... 60
- سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) با عایشه، پس از شکستش... 61
- سخن امام صادق (علیه السلام) راجع به وقایع پس از جمل... 63
- فرموده امام باقر (علیه السلام) راجع به اهل جمل... 64
- دشمنی عایشه با حضرت فاطمه و امام حسن (علیهما السلام)... 65
- خبر شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عکس العمل عایشه... 68
- القاب عایشه ملعونه در آیات و روایت... 68
- لعن عایشه در آیات قرآن کریم... 70
- عاقبت عایشه... 74
- فهرست منابع... 77

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

